



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نماير: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹- تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵ امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۳-۲۲ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶ www.sharghn Newspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۳:۰۴ آذان مغرب ۲۰:۴۰ آذان صبح فردا ۴:۲۰ طلوع آفتاب ۶:۰۲

واژگان یک فرهنگ

«پول»: کاغذهای قیمتی

ناصر فکوهی



■ حوزه اقتصاد یکی از تعیین‌کننده‌ترین بخش‌های فرهنگ را می‌سازد و این امر عمدتاً به دلیل پولی شدن شدید اقتصاد جهان از نیمه قرن بیستم تا امروز است. بنابراین در چندین قسمت از «واژگان» ما به این موضوع می‌پردازیم که در اینجا صرفاً مفهوم «پول» مورد نظر بوده است. تا پیش از دوره معاصر یعنی تا اواخر قرن نوزدهم، در ایران، به دلیل سلطه اقتصاد کشاورزی و نظام‌های عشایری، معنای «ثروت» چه در نزد مردمان غیرشهری و چه در نزد ثروتمندان شهری که در حوزه حکومتی و وابستگی‌شان متمرکز بودند، بیشتر از آنکه در «پول» تعریف‌شود، در مفاهیمی با معنایی مستقیم‌ها «مادی» بروز می‌یافت؛ برای عشایر این «ثروت» در تعداد دام‌ها و نوع آنها، برای کشاورزان به میزان زمین، آب و محصول و برای ظهور اسکناس، نمادی از سلطه بوده و رابطه میان پول‌ها مستغلات (باغ‌ها، بناها، روستاها و زمین) یا داشتن «خدم و حشم» و در نهایت داشتن زنان و کنیزان و حرمسراها (برای سلاطین)، با وجود این، «پول» در قالب سکه و نقش‌هایش، در جهان و در ایران، قدمتی به عمر تاریخ دولت‌ها دارد. از ابتدا تا امروز قدرت پول، به ویژه از زمان ظهور اسکناس، نمادی از سلطه بوده و رابطه میان پول‌ها به گونه‌ای رابطه میان قدرت‌ها را نیز مشخص می‌کرده است. اسکناس که در آغاز چیزی جز یک حواله بانکی با اِزارم پشت‌نویانه مادی (به خصوص طلا) نبود، ریشه‌های خود را در چین قرن دهم میلادی، امپراتوری مغول، دوران رنسانس و سرانجام اواخر قرن هفدهم اروپا می‌گرفت ولی از قرن هجده با تثبیت ایالات متحده و فرانسه به مثابه بزرگ‌ترین دولت‌های ملی، الگوی جهانی ثروت را تغییر داد و آن را از «هالکیت مادی» به «برخورداری سیاسی» تبدیل کرد. این امر در ایران در اواخر قرن نوزدهم و از زمانی مطرح شد که تانسیس راه‌آهن به وسیله بریتانیا در دستور کار قرار گرفت و به‌تدریج شعبه‌ای از بانک شرقی، سپس بانک استعراقی روسیه و سرانجام بانک شاهنشاهی و نهایتاً بانک ملی تأسیس شدند و اسکناس‌ها ابتدا با پشت‌نویانه‌ای اندک از طلا و سپس کمک و بیش بدون پشت‌نویانه‌ای محکم به گردش درآمدند و قران و تومان به واژگانی رایج و در ۱۳۰۸، ریال واحد رسمی پول ایران شد. از این پس کیف پول و پول خرد و قلک‌های سیاه بانک ملی به تدریج به زندگی شهروان راه می‌یافتند. با گسترش شهرها، مبادلات نیز افزایش می‌یافت و اقتصاد کشاورزی جای خود را به اقتصادهای خردپای شهری و اغلب از نوع اقتصادهای وابسته به نیازهای ثروتمندان شهری می‌داد. اما هربار دولت با مشکلی جدی برخورد می‌کرد بی‌اعتباری پول‌های کاغذی نیز بیشتر عیان می‌شد بحران‌ها و وقایع مهمی چون قتل ناصرالدین شاه (۱۲۷۵ ش.)، ۱۸۹۶ (م)، انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش.)، ۱۹۰۶ (م)، ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ ش./ ۱۹۵۰ م)، انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش./ ۱۹۷۹ م) و جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ش./ ۱۹۸۰-۱۹۸۸ م) هربار تأثیر آشکار و سخت بر ارزش پول و پس‌اندازها گذاشته است. اما آنچه در طول قرن حاضر بیشترین تغییر را در جامعه‌شناسی مفهوم «پول» در جامعه ما نشان می‌دهد، پولی شدن عمومی جامعه و پشت سر گذاشته شدن موقعیت‌های دوگانه میان پول «پول حلال/ پول حرام» است. در دوره ۱۳۴۵ تا انقلاب اسلامی درآمد‌های سرشار نفتی جریان گسترده‌ای از پول را وارد جامعه ما کردند که سبک زندگی شهروشنیان را به کلی دگرگون کردند. این روند از یک سو به شکلی گسترده دولت را تبدیل به کارفرمای بزرگ کرد که هر چند بسیار فاسد بود اما دست و دلبازی زیادی نیز داشت و از سوی دیگر مردم را تبدیل به کسانی کرد که به‌رغم داشتن موضعی کم‌پیش‌انتقادی و «طلبکارانه» از دولت، همواره وابسته به آن و هر چه کمتر آماده خطر کردن برای از دست دادن «حقوق و مواجب» خود بودند. دموکراتیزه شدن بسیاری از پدیده‌هایی که در قرن پیشین، از آن اشترافیت بود از تفریح و «هی‌کاری» و لذت‌جویی و «خودممایی»، هرچه بیشتر با پول فراهم می‌شد، به ویژه پول‌هایی کاغذی و بی‌اعتبار که البته سرانجام‌های شومی را وعده می‌داد. در ایران سال‌های دهه ۱۳۴۰ به سرعت جامعه‌ای شکل می‌گرفت که در آن پول در حال تغییر همه شکل‌ها بود بدون آنکه محتواها چندان تغییری نکنند: جامعه‌ای روستایی – عشایری با معیارهای چنین جامعه‌ای برای «ثروت» که بدل به شهری بزرگ و بی‌قانون و ضابطه می‌شد. به همان نسبت که نظام‌های تربیتی از ابتدا بر اساس پول اداره می‌شد و خانواده‌ها در مراسم عروسی گرفته تا تولد کودکان هدایای نقدی به یکدیگر اهدا می‌کردند و مناسبتهای گوناگون آیینی با روابط پولی آلوده می‌شدند، جامعه آخرین مقاومت‌های خود را در برابر پول با به گردش در آمدن آن در میان فقیرترین اقشار جامعه (گدایان شهری) و کودکان دربرقراری هفتگی، گشایش حساب‌های بانکی و هدایای نقدی از دست داد. درست پیش از انقلاب همه چیز قاعدتاً باید گویای آن می‌بود که با افزایش ثروت تمام اقشار باید راضی باشند در حالی که گسترش نظام پولی در رگ و مویرگ‌های جامعه درست برعکس، می‌رفت تا به تشدید سازوکارهای تمایز اجتماعی و افزایش‌های آسیب‌براز پولی – امتیازی بکشد، موقعیتی که در ترکیب عجیبش با رزمی‌هی سنتی، نظامی و استبدادی، تنها راه را در نفی کامل و تخریب خویش به دست خویش می‌یافت.

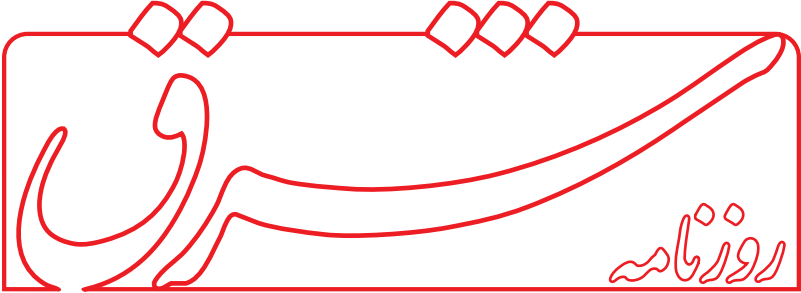
شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نماير: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹- تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵ امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۳-۲۲ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶ www.sharghn Newspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۳:۰۴ آذان مغرب ۲۰:۴۰ آذان صبح فردا ۴:۲۰ طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنامه

سه‌شنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۱ | ۲۷ شعبان ۱۴۲۲ | ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۲ | سال نهم | شماره پیاپی ۱۵۷۹ | شماره ۶۵۴ دوره جدید | ۲۰صفحه



«شریعتی و آل‌احمد در برابر غرب» یررسی می‌شود

خانه موزه دکتر شریعتی در ادامه سلسله نشست‌های تفکر از نمای نزدیک، نگاه شریعتی و آل‌احمد در برابر غرب را در سه‌شنبه ۲۷ تیر برگزار می‌کند. چهارمین نشست تفکر از نمای نزدیک، به بررسی اندیشه‌های دکتر شریعتی و جلال آل‌احمد در برابر غرب می‌پردازد. در این نشست غلامرضا امامی، پیرامون اندیشه‌های دکتر شریعتی و آل‌احمد در برابر غرب، سخن خواهد گفت. این نشست از ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز سه‌شنبه ۲۷ تیر در خانه موزه دکتر شریعتی واقع در خیابان جماران‌ده، نرسیده به خیابان دکتر فاطمی، کوچه نادر، پلاک ۹ برگزار خواهد شد.

دریچه

همسفر با آقای فیل «ساراماگو»

فواد شمس

■ «سفر آقای فیل» آخرین نوشته ژوزه ساراماگو است که به فارسی منتشر شده است. این رمان سفر یک فیل را در اروپا نشان می‌دهد. نویسنده در سال‌های پایانی زندگی خود، اثری تمثیلی درباره انسان‌ها خلق کرده و در آن به نقد برخی رفتارهای بشر پرداخته است. «سفر فیل» در سال ۲۰۰۸ برای نخستین بار منتشر شد.

داستان این کتاب در اواسط قرن شانزدهم میلادی، در زمان ژوان سوم اتفاق می‌افتد. ژوان سوم، به عموزدادش دوک بزرگ ماکسیمیلیانوی اتریشی، فیلی آسیایی هدیه می‌دهد. این رمان ماجرای سفر قهرمانانه آن فیل است که سالمون نام داشت و به دلیل تمایلات شاهانه و استراتژی‌های پوچ باید اروپا را می‌پیمود. سفر فیل کتابی تاریخی نیست، ترکیبی است از ماجراهای حقیقی و سانسنتگی، که همچون هر اثر ادبی بزرگ، امکان درک واقعیت و خیال را به صورتی تفکیک‌ناپذیر میسر می‌کند؛ بازتابی از انسانیت که طنز و طعنه را با شگفتی‌کی که ژوزه ساراماگو در تحلیل ضعف‌های بشری دارد، درهم آمیخته است.

ساراماگو در «سفر آقای فیل» تلاش نمی‌کند به درون ذهن سالمون راه یابد، اما با گفت‌وگوهایی که در سراسر کتاب آورده شده، خواننده اثر با احساسات و تمایلات این فیل آشنا می‌شود. در این رمان، مخاطب نکاتی درباره انسان‌ها و فیل‌ها کشف می‌کند که بسیار فراتر از مرزها و طبقه‌بندی‌های بیان شده درباره موجودات جهان است.

این رمان، داستانی است که گروه‌های سنی متفاوت مخاطب آن هسستند. تمرکز نویسنده در رمان «سفر آقای فیل»، بر رفتار بشریت است که در مجرای فشارهای اجتماعی و فرهنگی، تا حد زیادی تاسف‌آور و خنده‌دار می‌شود. ساراماگو در این کتاب با نثر چندلایه خود و ایجاد کردن احساس همدردی در مخاطب، واکنش‌هایی نسبت به طبیعت بشر نشان می‌دهد و نوعی نقد اجتماعی را مطرح می‌کند.

مانند آثار قبلی این نویسنده، «سفر آقای فیل» هم با زبان و داستانی ساده، مفاهیم عمیق‌تری از مسایل بشری را روایت می‌کند. ساراماگو، برنده جایزه نوبل ادبیات، شاعر، داستان‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و روزنامه‌نگاری بود که در اغلب کارهایش، از تمثیل‌های فراوان استفاده می‌کرد و دیدگاهی بر حوادث تاریخی داشت؛ حوادثی که در آنها، ساراماگو بر تأثیر عوامل انسانی تأکید فراوانی داشت.

ژوزه ساراماگو، نویسنده پرآوازه پرتغالی، در ابتدا با رمان کوری به جامعه ادبی ما معرفی شد و بعد از استقلال از آن، اغلب داستان‌های او در اختیار فارسی‌زبانان قرار گرفت. او نویسنده‌ای است که با خلق شرایط خاص در نوعی از جامعه انسانی، عکس‌العمل‌های مردم آن جامعه را نسبت به آن ویژگی خاص موشکافی و بررسی می‌کند و بازخورد آن را با زبانی شیوا و گیرا نشان می‌دهد؛ این سبک در اغلب رمان‌های او، مانند کوری، مرد تکثیر شده، دخمه و… دیده می‌شود و او را از این حیث می‌توان با روبر مرن فرانسوی مقایسه کرد. ژوزه ساراماگو نویسنده پرتغالی در سال ۱۹۹۸ میلادی برنده جایزه نوبل ادبیات شد. وی از سال ۱۹۶۹ به حزب کمونیست پرتغال پیوست و همچنان به آرمان‌های آن وفادار بوده‌است اما هیچ‌گاه ادبیات را به خدمت ایدئولوژی در نیاورد و همین روشن‌اندیشی و بلندپنری‌اش بود که باعث شد وی به یک نویسنده جهانی تبدیل شود.

ساراماگو، در کتاب سفر فیل نیز، با ورود فیل در میان اروپاییان قرن شانزدهم، نوعی شرایط خاص را ترسیم کرده و تلفیقی از دنیای واقعی و ویژگی‌های خیالی را به صحنه داستان آورده است؛ و این سبکی است که در اغلب رمان‌هایش به‌کار برده، اما سفر فیل یک تفاوت عمده با سایر رمان‌هایش دارد و آن طنزآلود بودن داستان است. همچنین این کتاب تنها یک رمان نیست، بلکه یک ماجرای تاریخی است که اطلاعات زیادی در مورد فرهنگ‌های رایج در سرزمین‌های گوناگون، ارایه می‌دهد و روابط انسانی و عاطفی میان ساکنان آنها را به تصویر می‌کشد.

شهرت ساراماگو در میان خوانندگان فارس‌زبان به خاطر رمان معروف وی یعنی «کوری» است. اما به واقع باید آخرین اثر این نویسنده بزرگ را یعنی «سفر آقای فیل» را خوانند تا فهمید که وی نویسنده‌ای چیره‌دست و قوی بوده است. این کتاب هم‌اکنون توسط کیومرث پارسی مستقیم‌ها از زبان پرتغالی ترجمه شده است. خود این امر این ترجمه وی را بهتر و روان‌تر از ترجمه‌هایی که دیگران از زبان انگلیسی کرده‌اند می‌کند و این نقطه قوت این کتاب است که توسط نشر «در دانش بهمن» به چاپ رسیده است.

آروین

arvinmad@gmail.com



بوی جوی مولیان

به دور از هیاهوی این روزها، برای استاد «حمید سمندریان»

حقیقت بزرگوار انسان بودن

به شاگردانش پیامود. حمید سمندریان کوتاه بود. با وسعت نظرش به افق‌های دور، به دشت‌های باز تعلق داشت. مهم‌تر از تئاتر خودش، دلش برای تئاتر این سرزمین می‌تپید. اگر فرصتی برای حرف زدن پیدا می‌کرد، همچون بشمار لحظات پایان اجراهایی که مشتاقانه به دیدارشان می‌شتافت، حتی برای تحسین از تجربه‌ای نو در عرصه تئاتر کشور، برای کارگردان آن اثر، هورا نمی‌کشید؛ خرسندی حقیقی او برای جریان تئاتر بود.

این ویژگی‌یی می‌ماند او که با یاد هیچ‌کس چراغی در تئاترمان به دست بگیریم: حمید سمندریان به‌رگز انحصارطلب نبود. زیر هیچ پرچمی سینه نمی‌زد، خود را به پاند یا گروهی وصل نمی‌کرد. حمید سمندریان خود اصلی‌ترین داشته ما بدل می‌کرد. حمید سمندریان انسان را رعایت می‌کرد. این همان حلقه مفقوده تئاتر امروز ایران است. او همواره از بیماری‌های تئاتر، ما از

گردونه بی‌اخلاقی، قضاوت‌های بی‌بنیاد، غرض‌ورزی و استبدادانه، محترم و خسته. این را نه ظاهرشان بلکه ادب و انتظارشان می‌گوید. مردی خارج از صف می‌آید و ضرب‌الاجل ۱۴ مرغ سفارش می‌دهد و می‌گوید: «از آن خوب‌هایش را می‌خواهم». فروشنده ۱۴ مرغ درشت به او می‌دهد. زنی مودبانه لب به اعتراض می‌گشاید. فروشنده، صاحب قدرت آن لحظه در مرغ‌فروشی، با انتقاد و خشم می‌گوید: «صلا مرغ نمی‌فروشیم». این را می‌گوید و صفی از انسان‌های محترم دست خالی برمی‌گردند. این‌بار محترم اما خسته‌تر. ما هر کدام نقشی خاص را در این جامعه رقم می‌زنیم و گاه فراموش می‌کنیم همین مرد مرغ‌فروش، از این مرغ‌های ۴۷۰۰

تومانی، فردا از چهره دزم متصدی بانک گلیزه دارد یا از شیوه برخورد راننده تاکسی انتقاد می‌کند. ما انسان‌ها، حلقه‌های یک زنجیریم، مگر می‌شود زنجیری کشیده شود و دیگر حلقه‌ها سر جای خود باقی بمانند؟ چطور می‌توانیم روی میل خانه بنشینیم، کتان تلوزیون را عوض و از زمین و زمان شکوه کنیم که آه «دیگران» چه رفتار غیرانسانی و نامطلوبی دارند و «ما».. ما لبخند نمی‌زنیم!

شماره ۲۷ «شان» نشریه طراحی گرافیک ایران منتشر شد. این شماره از «شان» ویژه طراحی گرافیک محیطی است.

همگون‌سازی بصری و زبانی، درک دوباره فضاهای شهری دستخوش تغییر، طراحی امروژه، ایده‌های بصری برونوک وایزر، آینده یگانه هدف ماست و... از

رضا حداد



هر خانواده‌ای بزرگی دارد و بزرگ تئاتر ما «حمید سمندریان» بود. خیلی‌ها، این روزها از شکوه و بزرگی او و آثارش سخن می‌گویند. اما بگذرید در ورای این «زرگی»، از «هرزگوری» و انسانیت این مرد سخن



علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

علی‌اکبر

مطالب منتشرشده در «شان» است. کتاب، وب‌سایت و فیلم بخش‌های دیگر این نشریه هستند که در آن پیشنهادهایی در این حوزه‌ها به مخاطبان ارایه شده است. نشریه «شان» به صورت تک شماره به قیمت هفت‌هزارو ۹۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان است.

دکه



نگاه

نگاهی به رفتارشناسی ما ایرانیان

حلقه‌های یک زنجیر

دیب‌داوودی

ما لبخند نمی‌زنیم.. عادت کرده‌ایم به خرده‌گیری هماره، به همیشه پرگلابه بودن. ما لبخند نمی‌زنیم و عادت کرده‌ایم به ندیدن خود. ساده دیگران را مورد عتاب قرار می‌دهیم و با نفی آنها به دنبال اثبات خویشتن می‌گردیم. ما عادت کرده‌ایم با شاید تعبیر بهترش این باشد که مبتلا به درد «عادت» شده‌ایم.

در نگاه ما رفتار آن متصدی بانک که به قول خودمان از آغاز ساعت کاری سگر مه‌هایش را در هم کشیده جای انتقاد دارد، راننده تاکسی که از نداشتن پول خرد یا افزایش قیمت بنزین می‌نالَد جای انتقاد دارد، فروشنده سوپرمارکت محله‌مان که احتمالاً جنس مورد نظرم‌ان را قدری به اشتباه گران‌تر از نرخ معمول به فروش می‌رساند، جای انتقاد دارد. و همه جای انتقاد دارند، جز ما! فقط ما بری از خطا و نقد هستیم. همین ما که خودمان نیز کارمند بانکیم، فروشنده هستیم و به هر حال با یکی از همین مشاغل معمول و مرسوم روزگار می‌گذرانیم. «ما» حساب‌مان از آنها جداست؟ شاید به همین دلیل است که لبخند نمی‌زنیم. کافی است برای عینی شدن ماجرا تنها دقایقی از روز را صرف نگاه، نه نگاهی گذرا که از سر تأمل به یک صف مرغ بیندازیم.

احمد شاکری



یک کتابخوانی سفر به فضاهای ناشناخته است. هر متن ما را به رفتن دعوت می‌کند. نویسنده بسا کلمات ما را مهمان منظرها و آدم‌هایی غریب و آشنا می‌کند که غالباً وجود و حضورشان را فراموش می‌کنیم. گاهی واقعیت هر شهری نظیر تهران، پاریس، استانبول و... دور است با آنچه آرمان‌شهر شاعران و نویسندگان تصویر کرده‌اند. شهر مکان رنج و خاطره است، مکان شادی و زندگی است. شخصیت‌های کاغذی داستان ممکن است هر کدام در دنیای بیرون مابه‌ازایی همچون من و شما داشته باشند. آدم‌هایی باشند ترسیده از جنگ، هراسان از دروغ، در جست‌وجوی یار، در خیال دیار، به دنبال نان و آب و آواز، دغدغه‌مند فرهنگ، دوستدار روی خوش و موی دلکش، تلخ‌مزاج یا صراحت، در اندیشه ازروه‌های جامعه، جوانی جویای کار و نام و نشان و هزاران برنی آدم که سرنوشت خودشان را دارند و شیوه زندگی و بیان خودشان. حالا زبان ادبیات چه می‌کند؟ تمامی آنچه ما در دنیای واقع امکان دسترسی نداریم را یک نویسنده با قلمش در قالب سطرها و کلمات خلق می‌کند، زنده می‌کند و شاید هم ماندگار. ادبیات دنیای فرار از فراموشی و احترام به خاطره‌ها و حافظه‌های فردی – جمعی آدم‌هاست. ادبیات در جست‌وجوی مرزها و فصل‌های مشترکی با انسان‌ها و علوم به ساکنان تجربه‌ای را از یک گوشه دنیا به گوشه‌ای دیگر حمل می‌کند و ابزار ابراز اندیشه و آمیزش آرای تماشگران و کشگرانی است که در آرزوی دنیایی بهترند. می‌گویند شهرنشینی محصول دولت مدنیت بشر است. از پی چنین دورانی است که دغدغه انسان مدرن شهرنشین در ساحت‌های متفاوت زندگی جدی‌تر می‌شود و فضاهای انسانی و شهری هم معنای تازه‌ای به خود می‌گیرد. هویت شهری بخشی از فردیت بشری می‌شود و فردیت آدم‌ها و هویت شهرها رابطه مستقیمی با بحران مدنیت می‌یابد. استادی به‌حق می‌گفت که مدنیت و ناهمگونی مدرنیت کار را به جایی می‌کشاند که «جا»ها به مرور زمان «تاکجا» می‌شوند. آن وقت شهروندان بی‌هویت در تاکجاآباد به خودشان حق می‌دهند هر کاری بکنند. در تاکجاآباد است که ساکنانش یا با خاطراتشان زندگی می‌کنند یا خاطره‌ها فراموش می‌شوند. شاید کنار این همه ابزاری که سعی می‌کند آدم‌ها را کنار هم برچا نگه دارد نوشتن در مقیاس خرد و ادبیات در مقیاس کلان بتواند این رسالت را به‌جا آورد. دو، باز هم می‌گویند ادبیات برگرفته از ادب است و نوشته‌اند ادب یعنی حد و حرمت چیزی و کسی را نگه داشتن. ادبیات زبان مراقبت است. مراقبت از خود و دیگری. حالا سال‌هاست که ادبیات به مطالعات بینارشته‌ای روی آورده و در مقام قیاس برآمده در این میان بخشی از ادبیات همان ادب برخورد با متن، انسان، جامعه، شهر و... است. یکی از کارکردهای ادبیات تطبیقی به عنوان بخشی از مطالعات تطبیقی، پالایش و



نگاه

نگاهی به رفتارشناسی ما ایرانیان

حلقه‌های یک زنجیر

دیب‌داوودی

ما لبخند نمی‌زنیم.. عادت کرده‌ایم به خرده‌گیری هماره، به همیشه پرگلابه بودن. ما لبخند نمی‌زنیم و عادت کرده‌ایم به ندیدن خود. ساده دیگران را مورد عتاب قرار می‌دهیم و با نفی آنها به دنبال اثبات خویشتن می‌گردیم. ما عادت کرده‌ایم با شاید تعبیر بهترش این باشد که مبتلا به درد «عادت» شده‌ایم.

در نگاه ما رفتار آن متصدی بانک که به قول خودمان از آغاز ساعت کاری سگر مه‌هایش را در هم کشیده جای انتقاد دارد، راننده تاکسی که از نداشتن پول خرد یا افزایش قیمت بنزین می‌نالَد جای انتقاد دارد، فروشنده سوپرمارکت محله‌مان که احتمالاً جنس مورد نظرم‌ان را قدری به اشتباه گران‌تر از نرخ معمول به فروش می‌رساند، جای انتقاد دارد. و همه جای انتقاد دارند، جز ما! فقط ما بری از خطا و نقد هستیم. همین ما که خودمان نیز کارمند بانکیم، فروشنده هستیم و به هر حال با یکی از همین مشاغل معمول و مرسوم روزگار می‌گذرانیم. «ما» حساب‌مان از آنها جداست؟ شاید به همین دلیل است که لبخند نمی‌زنیم. کافی است برای عینی شدن ماجرا تنها دقایقی از روز را صرف نگاه، نه نگاهی گذرا که از سر تأمل به یک صف مرغ بیندازیم.